

لیدا ایاز

وسط پارک، بین جمعیت، دو گروه چهار نفره تشکیل داده‌اند و توپ والیبالی را بدون تور به همدیگر پاس می‌دهند. ذوق زدگی برای اینکه یک والیبالیست حرفه‌ای شوند مثل بازیکنان تیم ملی توی چشم هایشان موج می‌زند. می‌خواهند همان باشند که ۷۰ میلیون نفر به آنها افتخار می‌کنند. اما توپ با چند بار دست به دست شدن به طرفی می‌رود و می‌رسد به انتهای پارک و هر دفعه یکی از آنها توی چمن‌ها می‌دود که توپ را برگرداند به بازی. زمینی که آنها تصاحب کرده‌اند در واقع یکی از راه‌های اصلی رفت آمد مردم در پارک است اما همه بارضایتی بی‌چون و چاراهشان را کج می‌کنند تا این چند جوان مشغول همین توپ و آن آرزو باشند و وقت‌شان همین جادر همین تفریح ساده بگذرد و روزشان در هفت چنار خوب و خوش باشد.



## همراه با جوانان در محله هفت چنار خاطرات زندگی در محله باغ‌های قدیمی



رامست کند و بکشاند در صف خرید فلافل. او دستور را می‌دهد و ممد اجرا می‌کند. ۸ سال است که ممد فلافلی این کار را می‌کند. به سراغ او می‌روم. از او می‌پرسم چرا این قدر فلافل‌های هفت چنار معروف است. از آن سر شهر همه آدرس اینجا را می‌دادند؟ محمد می‌گوید: «خب، خیلی فرق می‌کند.

شود چنان خوشمزه می‌شود که معروفیت‌اش تهران را خبر می‌کند. مثل فلافل‌های معروف هفت چنار که ممد فلافلی یکی از آنهاست. ممد یک جوان آذری زبان است. نه جنوبی است نه آشپز ماهر، اما صاحب مغازه‌اش وقتی لبنان بود خوب یاد گرفته چطور مواد فلافل را آماده کند که عطر و بوی همبرگر بگیرد و بیپچد توی محل. وقت عصرانه هم این بو همه

بعدها تفکیک و تبدیل به منازل مسکونی شد. اما هفت چنار اصلی درست روبروی پارک که با یک خیابان کم عرض از هم جدا شده، قرار دارند. بومی‌ها می‌گویند هفت چنار ۵۰۰ سال قدمت دارد. اما کدام هفت چنار. سه درختی که با چند شاخ و برگ اندک کنار فرهنگسرا و شهر کتاب محله باقی مانده‌اند و هنوز دارند مقاومت می‌کنند. این سه چنار بی‌اینکه بخواهند نام چهار چنار دیگر را هم به دوش می‌کشند که سالها قبل به تدریج خشک شدند.

### آن فلافل‌های معروف

فقط کافی است بپرسی هفت چنار به چی معروف است. کوچک و بزرگ یک لحظه مکث می‌کنند و می‌گویند به فلافل‌اش. رmq خاصی در دادن این اطلاعات ندارند، اما از اینکه بگویند هفت چنار هم موجودیت خودش را دارد، خوشحال‌اند. فلافل نوعی غذای جنوبی است و شاید از لبنان به ایران آمده باشد. بانخود و پیاز و فلفل درست می‌شود و درست کردن‌اش مهارت می‌خواهد که اگر درست با هم مخلوط

چند زن با نگاهی مادرانه چشم دوخته‌اند به پاسکاری آنها و لبخند می‌زنند. یکی از آنها می‌گوید: «جای ما را گرفته‌اند، اما چه می‌شود کرد، جایی برای بازی کردن ندارند، اینجا مشغول باشند، بهتر است.»

هفت چنار از همان ابتدا با پارک‌هایش به چشم می‌آید. پارک‌هایی که همه موجودیت‌شان را از باغ‌های قدیمی گرفته‌اند. پارک هفت چنار هم بین درخت‌های چنار و کاج و نارون جای خودش را باز کرده است. یکی می‌گوید سالها قبل که شهرداری شروع کرد به ساختن پروژه نواب، همه زمین‌ها را خرید و حالا این چند پارک شده سهم ما از آن همه باغ.

در سال ۱۳۳۵ محله هفت چنار شامل سه باغ مجزا بود که هر کدام متعلق به یک نفر بود. محله گلستانی فعلی متعلق به فردی به نام حاجی گلستانی بود که هم‌اکنون هم به این نام نامیده می‌شود. محله اعتماد به فردی به نام حاج حسن اعتماد تعلق داشت که باغ بود و همین محله باغ حکیم که همچنان به این نام مشهور است متعلق به فردی به نام حاج عباس حکیم بود که